

تحلیل موانع فراروی آموزش‌های کارآفرینی در مراکز آموزش علمی

کاربردی کشاورزی

مهدی رحمانیان کوشککی^{1*}، محمد چیدری² و عنایت عباسی²
تاریخ دریافت: 92/9/16 تاریخ پذیرش: 93/10/26

چکیده

از جمله معضلاتی که در دهه اخیر در کشور با آن روبه رو هستیم، بیکاری جوانان بویژه دانش‌آموختگان دانشگاهی می‌باشد که این معضل در بخش کشاورزی بسیار حادث‌تر به نظر می‌رسد. با وجود این چالش‌ها، بسیاری از سیاست‌گذاران، کارآفرینی در محیط‌های دانشگاهی را امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌دانند. هدف از آموزش کارآفرینی، تربیت افرادی است که بتوانند پس از تکمیل تحصیلات خود، افرادی مؤسس باشند و کسب و کاری را ایجاد کنند. بر این اساس، این پژوهش به بررسی موانع فراروی در برگزاری دوره‌های کارآفرینی در مراکز علمی کاربردی کشاورزی استان فارس پرداخته است. این پژوهش به لحاظ هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی و از لحاظ کنترل متغیرها از نوع توصیفی همبستگی بوده که به روش پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری این مطالعه شامل 1018 نفر از دانشجویان شاغل به تحصیل در چهار مرکز علمی کاربردی کشاورزی استان فارس (شیراز، جهرم، علی‌آباد کمین و مرودشت) در سال تحصیلی 90-1389 بودند. از بین این افراد، با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی تعداد 178 دانشجو به عنوان نمونه‌های پژوهش انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه‌ای بود که روایی آن با کسب نظرات اساتید دانشگاه تأیید شد و پایایی آن نیز بر پایه ضریب آلفای کرونباخ 0/89 بدست آمد. بر اساس نتایج بدست آمده از تحلیل عاملی، ضعف خدمات مشاوره‌ای و حمایتی (با میزان واریانس 19/50 درصد)، ناکافی بودن آموزش‌های کاربردی (با میزان واریانس 17/89 درصد)، ضعف شناخت قوانین مالی و مدیریتی (با میزان واریانس 11/94 درصد) و ضعف برنامه‌ریزی آموزشی (با میزان واریانس 11/67 درصد) موانع فراروی آموزش‌های کارآفرینی در مراکز علمی کاربردی کشاورزی استان فارس می‌باشند. مجموع این چهار عامل، 61/01 درصد از واریانس موانع آموزش‌های کارآفرینی را تبیین کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: کارآفرینی، موانع کارآفرینی، مراکز علمی کاربردی کشاورزی، استان فارس.

۱- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران، ایران

۲- استاد گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

*- نویسنده مسئول مقاله: rahmanian.mahdi@gmail.com

مقدمه

دگرگونی‌های پرشتاب جهان امروز، شرایط و چالش‌های نوینی را فراروی آموزش عالی قرار داده است. این در حالی است که شواهد زیادی بیانگر آن است که بیکاری دانش‌آموختگان آموزش عالی، در بسیاری از کشورها در حال افزایش می‌باشد (Annie & Hamali, 2006). چنین سناریویی در مورد بیکاری در ایران، به ویژه در بخش کشاورزی از واقعیت و عینیت بیش تری برخوردار بوده است. به گونه‌ای که برآورد گردیده، حدود 2/5 میلیون نفر در ایران بیکار بوده که 30 درصد از آن‌ها را دانش‌آموختگان دانشگاهی تشکیل می‌دهند (Karimi et al., 2010). از سوی دیگر، شواهد بیانگر آن است که تعداد دانشجویان کشور بویژه در بخش کشاورزی در طول 20 سال گذشته از افزایش چشمگیر برخوردار بوده است، اما کیفیت دانش‌آموختگان و سازگاری تخصصی آنان با نیازهای جامعه هنوز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. این در حالی است که سیر تکامل آموزش عالی در دهه اخیر نشان داده که توجه جدی به آموزش‌های عملی به جای تکیه بر علوم نظری، می‌تواند به عنوان گامی نوین در جهت کیفیت تخصصی دانش‌آموختگان با نیازهای جامعه و اقدامی کارآمد در راستای کاربردی کردن دانش روز دنیا باشد. لذا، در کشور ما بررسی شرایط کنونی آموزش علمی کاربردی و مرور اجمالی سوابق آن، حاکی از آن است که با گذشت حدود دو دهه از آغاز فعالیت‌های نظام آموزش علمی کاربردی در کشور، هنوز به هدف اصلی خود یعنی آموزش و پرورش نیروهای مورد نیاز جامعه در بخش‌های گوناگون نرسیده است (Khosravi et al., 2008). به بیان دیگر، با وجود تأکید این نوع نظام آموزشی بر کاربردی کردن علوم نظری و تلاش بمنظور آماده کردن دانش‌آموختگان برای ورود به عرصه اشتغال، این آموزش‌ها آن‌چنان که در هدف هایشان آمده است، نتوانسته‌اند در تربیت نیروی ماهر و مورد نیاز بخش‌های گوناگون از جمله کشاورزی موفق عمل کنند.

با توجه به مشکلات بیان شده، در کشوری نظیر ایران، ایجاد فرصت‌های شغلی برای خیل عظیم بیکاران، بویژه دانش‌آموختگان نظام آموزش عالی کشاورزی، به اصلی‌ترین و مهم‌ترین مشغله تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان کلان کشور تبدیل شده است. امروزه کشورهای گوناگون دنیا اعم از توسعه‌یافته و در حال توسعه، جهت چیره شدن بر مشکلات ذکر شده، کارآفرینی را پیشنهاد کرده‌اند. به بیان دیگر، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در این کشورها، راهکار خروج از این چالش‌ها و عبور از این تهدیدها را در کارآفرینی جستجو می‌کنند. توجه جدی به مقوله کارآفرینی به برخی پیامدها مانند افزایش فرصت‌های شغلی، رقابت، بهبود بهره‌وری و افزایش سطح رفاه اجتماعی اقتصادی منجر خواهد گردید (Onstenk, 2003). لذا، رایج تعریفی نوین از اشتغال و گذر از کاریابی به کارآفرینی یکی از راه‌حل‌های معضل بیکاری دانش‌آموختگان کشاورزی بوده و این موضوع برای دانشجویان دانشگاهی که در مقایسه با افراد بدون تحصیلات دانشگاهی بیش تر به دنبال خود

اشتغالی هستند (Zampetakis et al., 2009)، بسیار اهمیت دارد. از این رو، بررسی اقتصادی در یک جامعه علمی و آگاهی یافتن از شرایط و نیازمندی‌های شغلی آن به سیاست‌گذاران آموزش عالی کمک می‌کند که به رعایت تناسب برنامه‌های آموزشی دانشگاه با آن شرایط بیش تر توجه کنند (Fu-Lai, 2001).

یونسکو¹ (2004) در چشم‌انداز جهانی آموزش عالی برای سده بیست و یکم، دانشگاه‌های جدید را به عنوان یک مکان که در آن قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان جهت تبدیل شدن به ایجاد کنندگان کار توسعه می‌یابد، توصیف می‌کند (Azizi et al., 2010). به بیان دیگر، امروزه رسالت آموزش عالی تنها انتقال دانش یا پیشرفت ذهنی نیست بلکه آن نوع آموزش‌هایی باید در دستور کار قرار گیرد که توانایی اشتغال‌پذیری را در افراد داشته باشد (Hwang, 2001) زیرا چنین فعالیت‌هایی باعث شده انگیزه دانش‌آموختگان تغییر کرده (Peterman & Kennedy, 2003) و فعالیت‌های آنان به سمت و سوی کارآفرینی سوق داده شود. با توجه به اهمیت موضوع یکی از عوامل اثرگذار در توسعه کارآفرینی، توجه ویژه به تقویت نظام آموزشی است. امروزه تقریباً در تمام کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در همه پایه‌های تحصیلی، آموزش و ترویج کارآفرینی جایگاهی ویژه پیدا کرده است (Rahmati et al., 2008). با چنین شرایطی، اهمیت و نقش آموزش‌های کارآفرینی در مراکز علمی کاربردی بیش از پیش نمایان می‌شود. رسالت نظام آموزش علمی کاربردی تربیت نیروی انسانی کارآمد، خلاق و کارآفرین است که آموزش کارآفرینی می‌تواند در این راه به عنوان یک پتانسیل بالقوه برای کمک به وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان در مراکز علمی کاربردی نقش بسزایی ایفاء کند (Azizi et al., 2010). پژوهشگران گوناگونی از جمله الدر و درای بر این باورند که آموزش‌های علمی کاربردی جهت آماده نمودن دانشجویان برای اشتغال، بایستی به آموزش‌های کارآفرینی در برنامه‌های آموزشی خود توجه کنند (Elder & Drury, 2001). لذا، می‌توان این چنین برداشت کرد که یکی از ضرورت‌هایی که در زمینه رویارویی با بیکاری بویژه تقویت نظام‌های آموزشی از جمله آموزش عالی کشاورزی در سال‌های گذشته از سوی شمار زیادی از پژوهشگران و کارشناسان به آن توجه جدی شده است، گسترش کارآفرینی در مرکزهای آموزشی و دانشگاهی است (Blenker et al., 2008). به گونه‌ای که بر اساس گزارش کمیسیون اروپایی² (2002) در سال‌های اخیر توجه به کارآفرینی در اروپا، آمریکا و بسیاری از کشورهای دیگر شکوفایی زیادی پیدا کرده و به نظر می‌رسد که بر آموزش کارآفرینی که نقش مهمی در توسعه نگرش‌ها، توانایی‌ها و مهارت‌ها ایفاء می‌کند، هم رایی عمومی وجود داشته باشد (Li et al., 2003).

¹- UNESCO

²-European Commission

شفرد و داگلاس¹ (1997) آموزش کارآفرینی را توانایی تدوین دوره‌ای برای ایجاد کسب و کار جدید از راه ترکیب داده‌های حاصل از رشته‌های کاربردی و محیط بیرونی در قبال ابهام‌هایی که پیش روی یک کسب و کار جدید قرار دارد، تعریف کرده‌اند. این امر بیانگر استراتژی‌های خلاقانه، روش‌های نوآورانه، تغییرات مستمر و مدیریتی است (Solomon, 2007). در واقع، دوره‌های آموزش کارآفرینی، دانشجویان را با فرصت‌ها (Shane & Venkataraman, 2000) و تعاملات اجتماعی گوناگون (Man & Yu, 2007) آماده می‌سازد که از این راه می‌توان نگرش و قابلیت‌های کارآفرینانه‌شان را به گونه عام و توانایی مدیریتی‌شان را به گونه خاص توسعه و پیشرفت داد. بدین منظور، درس کارآفرینی با ارزش دو واحد نظری و یک واحد عملی با هدف ارتقاء و توانمندی کارآفرینانه دانشجویان، جهت راه‌اندازی و مدیریت کسب و کار در مراکز علمی کاربردی کشاورزی لحاظ شده است و امید به آن است که بتواند در کنار دانش و مهارت تخصصی افراد، موجبات تقویت دانش‌آموختگان در اشتغال زایی و کارآفرینی را فراهم کند. هر چند تجارب بدست آمده از مطالعات گوناگون در کشور، از جمله پژوهش‌های زالی و رضوی (Zali & Razavi, 2004) و رستمی و همکاران (Rostami et al., 2011) نشان می‌دهند که با وجود توجه به آموزش کارآفرینی در دانشگاهها، این آموزش‌ها همواره با مشکلات جدی و عدیده‌ای مواجه بوده و نتوانسته‌اند انگیزه لازم برای راه‌اندازی کسب و کارهای کارآفرینانه را در دانش‌آموختگان ایجاد کنند (Rezaei et al., 2012). لذا، مناسب است ضمن بررسی دوباره و دقیق نظام آموزش علمی کاربردی کشاورزی، موانع فراروی آموزش کارآفرینی در این مراکز مورد تحلیل قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

مروری بر پیشینه پژوهش‌های انجام گرفته نیز برخی حقایق را در رابطه با موضوع این پژوهش در داخل و خارج از کشور نمایان کرده که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود. این علی و ابر رجبی نسب در پژوهش خود پیرامون موانع گسترش کارآفرینی دانشگاهی در بخش کشاورزی شاخص‌هایی چون: ناکارایی نظام آموزش عالی کشاورزی، نبود یک الگوی مشخص برای گسترش مهارت‌های کارآفرینی در نیروهای دانش‌آموخته، دیر بازده بودن سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و نبود هماهنگی مناسب بین دستگاه‌های اجرایی و نهادهای متولی کارآفرینی را به عنوان مهم‌ترین موانع‌های گسترش کارآفرینی در دانشکده‌های کشاورزی در نظر گرفته‌اند (Ebne Ali & Rajabinasab, 2007). افزون بر چالش‌های موجود، موانعی نیز در جهت کارآفرینی دانشجویان در مراکز دانشگاهی موجود است؛ چنان‌چه میرزامحمدی و همکاران از آرایه بیش تر

¹ -Shepherd and Douglas

درس‌های دانشگاهی به صورت نظری، نهادینه نشدن فرهنگ کارآفرینی در سطوح گوناگون جامعه، تخصصی نبودن دانش آموختگان در زمینه نیازهای بازار، نبود ارتباط میان دانشگاه و مراکز تولیدی و صنعتی به عنوان موانع و مشکلات آموزش عالی برای اجرای کارآفرینی نام برده‌اند (Mirza Mohammad et al., 2007). در مطالعه ای دیگر، حاجی میررحیمی و مخبر موانع گسترش کارآفرینی در نظام آموزش عالی علمی کاربردی کشاورزی را بررسی کرده‌اند. نتایج این پژوهش نشان دادند که در فرایند گسترش کمی و کیفی آموزش کارآفرینی به ترتیب عامل تزلزل قابلیت‌های حرفه‌ای و عملکردی منابع انسانی و فیزیکی، کم اعتباری محتوای آموزشی و درسی و ضعف نگرشی و عملکردی دانش‌آموختگان کشاورزی حدود 50 درصد از واریانس موانع گسترش کارآفرینی در نظام آموزش عالی علمی کاربردی کشاورزی را تبیین می‌کنند (Haji Mir Rahimi & Mokhber, 2010).

یعقوبی در مطالعه خود به بررسی عوامل بازدارنده کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی و ارایه سازوکارهایی برای تقویت آن پرداخته است. بر اساس یافته‌های پژوهش ایشان، مهم‌ترین موانع بازدارنده کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی عبارتند از: مدرک‌گرایی افراطی در بین دانشجویان و توجه نکردن به یادگیری مهارت‌های کاربردی، گسترش کمی دانشکده‌های کشاورزی بدون توجه به کیفیت عملی در آن‌ها، فعالیت‌های کاربردی محدود در زمینه درس‌های ارایه شده، ضعف مهارت‌های ویژه اساتید برای ایجاد انگیزه و پرورش نوآوری در دانشجویان، نامتناسب بودن آموخته‌های دانشجویان در دانشگاه با نیازهای بازارکار و استفاده از روش‌های سنتی آموزش (Yaghoubi, 2010). در مطالعه ای دیگر، حسینی و همکاران موانع کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی را از دیدگاه دانشجویان کارشناسی‌ارشد دانشگاه تهران بررسی کرده‌اند. بر اساس نتایج این پژوهش، نبود یا کمبود پشتیبانی‌های دولتی از شغل‌های کشاورزی، مهم‌ترین مانع اشتغال دانش‌آموختگان در بخش کشاورزی بشمار می‌رود. هم‌چنین، نتایج تحلیل عاملی حاکی از آن بود که پنج عامل پشتیبانی، آموزشی، برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و عامل انسانی در مجموع حدود 61/6 درصد از واریانس موانع گسترش کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی را تبیین نموده‌اند (Hosseini et al., 2010). خسروی‌پور و منجم‌زاده در پژوهش خود درباره بررسی عوامل و موانع کارآمد در کارآفرینی و اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی از دیدگاه دانشجویان آموزش تکمیلی، دریافتند که ناآگاهی از بازار کار متناسب با رشته تحصیلی و سطح نامناسب دانش و مهارت‌های تجربی و شغلی دانش‌آموختگان کشاورزی، به ترتیب مهم‌ترین موانع کارآفرینی و اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی بوده‌اند (Khosravipour & Monajemzadeh, 2011). با توجه به نتایج مطالعه دیگری با عنوان موانع تقویت کارآفرینی در دانشکده کشاورزی زنجان از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی، پنج عامل: روش‌گزینش دانشجو و روش‌های آموزشی نامناسب، محتوا و برنامه‌ریزی آموزشی نامطلوب،

موانع ارتباطی، کمبود دروس و کتاب‌های مرتبط با آموزش کارآفرینی در کشاورزی و ضعف روش ارزشیابی در آموزش عالی و برنامه‌های جانبی آموزشی، توانسته‌اند 53/44 درصد از کل واریانس موانع تقویت کارآفرینی در دانشکده کشاورزی زنجان را تبیین کنند (Yaghoubi et al., 2011). در پژوهش دیگری رضایی (1390) موانع گسترش کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی از دیدگاه پاسخگویان را در چهار عامل آموزشی، زیرساختی پشتیبانی، مدیریتی و فردی و روان‌شناختی دسته‌بندی کرده است (Rezaei, 2011). هم چنین، در پژوهش دیگری رضوی و همکاران (1391) با عنوان تحلیل موانع کارآفرینی در دانشکده‌های کشاورزی ایران از دیدگاه دانشجویان، مهم‌ترین موانع کارآفرینی در دانشکده‌های کشاورزی را موانع آموزشی، فردی-شخصیتی، حمایتی-قانونی، تسهیلاتی و ارتباطی که در مجموع 64/88 درصد از کل موانع کارآفرینی را تبیین می‌کند، دسته‌بندی کرده‌اند (Razavi et al., 2012).

امروزه، محیط نامناسب آموزشی در برخی کشورها، به سادگی باعث از بین رفتن توانمندی متناسب با آموزش کارآفرینان شده است (Luthan et al., 2000)، به گونه‌ای که گیب منزلت آن‌ها را در آموزش عالی شکننده توصیف کرده و مهم‌ترین موانع گسترش کارآفرینی را پشتیبانی نکردن سازمانی مدیران و برنامه‌ریزان، از پیاده‌سازی و گسترش کارآفرینی در مؤسسه‌های آموزش عالی بیان می‌دارد (Gibb, 2002). ویلسون در پژوهش خود در زمینه آموزش کارآفرینی در اروپا به این نتیجه رسید که موانع دولتی، آموزشی، زیرساختی، اجتماعی فرهنگی و مدیریتی به ترتیب از مهم‌ترین موانع گسترش کارآفرینی در بخش‌های گوناگون بویژه بخش کشاورزی می‌باشد (Wilson, 2008).

با توجه به مطالعات ذکر شده، به نظر می‌رسد که نخستین گام برای رفع موانع آموزش کارآفرینی در نظام آموزش عالی علمی کاربردی کشاورزی و تربیت دانش‌آموختگان کارآفرین و توانمند، طرح و انجام مطالعه‌هایی برای شناسایی و تحلیل دقیق موانع اشاره شده است، تا بتوان با بدست آوردن داده‌های ضروری، برنامه‌ریزی اثربخش‌تری را در آموزش‌های کشاورزی انجام داد. لذا، با توجه به آن چه گفته شد، این مطالعه با هدف کلی تحلیل موانع فراروی آموزش‌های کارآفرینی در مراکز آموزش علمی کاربردی کشاورزی استان فارس انجام گرفته است تا ضمن غلبه بر این موانع و اتخاذ سیاست‌های کارآفرینانه در این مراکز، بتواند گامی مفید و مؤثر در جهت ارتقاء و توانمندی کارآفرینانه‌ی دانشجویان بردارد. در جهت رسیدن به هدف کلی بالا، هدف‌های اختصاصی زیر مورد نظر هستند:

- شناسایی ویژگی فردی و تحصیلی دانشجویان مراکز علمی کاربردی کشاورزی؛
- تعیین و اولویت‌بندی موانع اصلی آموزش کارآفرینی در مراکز علمی کاربردی از دیدگاه دانشجویان؛

- تحلیل عاملی موانع آموزش کارآفرینی در مراکز علمی کاربردی کشاورزی.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت جزء پژوهش های کمی، از نظر هدف کاربردی، از نظر شیوه گردآوری داده‌ها پیمایشی و از جهت میزان نظارت و درجه کنترل متغیرها، غیرآزمایشی بشمار می رود. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، شامل 1018 نفر از دانشجویان شاغل به تحصیل در چهار مرکز علمی کاربردی کشاورزی استان فارس (شیراز، جهرم، علی آباد کمین و مرودشت) در سال تحصیلی 90-1389 بودند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، 178 نفر تعیین شد. روش نمونه‌گیری مورد استفاده، طبقه‌ای تصادفی می‌باشد. بر اساس این روش نمونه‌گیری، ابتدا دانشجویان در بین مراکز طبقه‌بندی و سپس نمونه‌های مورد مطالعه به گونه تصادفی از بین گروه‌های آموزشی و مقاطع گوناگون تحصیلی انتخاب شدند (جدول 1). ابزار گردآوری داده‌ها مربوط به پژوهش پرسش‌نامه‌ای در بردارنده دو بخش ویژگی فردی و تحصیلی دانشجویان در چهار متغیر و دیدگاه ایشان در باره اهمیت هریک از 20 گویه موانع آموزش کارآفرینی در نظام آموزش علمی کاربردی کشاورزی، تشکیل شده بود. این متغیرها از راه بررسی ادبیات نظری در زمینه موضوع پژوهش بویژه پژوهش‌های انجام شده در درون و بیرون از کشور و نیز گفتگوی حضوری و نیمه ساختارمند با کارشناسان، شناسایی و استخراج شدند. بمنظور اندازه‌گیری گویه‌های موانع آموزش کارآفرینی در مراکز علمی کاربردی، از طیف لیکرت پنج سطحی (از خیلی کم=1 تا خیلی زیاد=5) استفاده شد. روایی محتوایی پرسش‌نامه با استفاده از پانلی از اساتید گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس مورد تأیید قرار گرفت. پایایی ابزار پژوهش نیز با انجام آزمون مقدماتی از راه یک نمونه 30 نفری خارج از نمونه اصلی با محاسبه آزمون آلفای کرونباخ 0/89 محاسبه شد که نشان می‌دهد، پرسش‌نامه از پایایی مناسبی برخوردار بوده است. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم افزار اس.پی.اس.اس¹ 16 انجام گرفت. در بخش آمار توصیفی، با استفاده از مشخصه‌های آماری نظیر فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات به توصیف داده‌های پژوهش پرداخته شده است. در بخش آمار استنباطی از تحلیل عاملی² بهره گرفته شده است.

¹- SPSS_{WIN16}

²-Factor Analysis

جدول ۱- حجم نمونه پژوهش به تفکیک مراکز، گروه‌های آموزشی و مقاطع تحصیلی.

نام واحد	گروه‌های آموزشی	تعداد دانشجویان به		مجموع در دو مقطع	حجم نمونه انتخابی در مقطع تحصیلی		تعداد کل نمونه منتخب
		تحصیلی			کارشناسی	کارشناسی	
		کارشناسی	کارشناسی				
بعثت شیراز	مدیریت کشاورزی	87	40	127	10	5	15
	آب و خاک	65	35	100	8	4	12
	علوم زراعی و باغی	105	25	130	12	3	15
	علوم دامی	56	44	100	7	4	11
	صنایع غذایی	75	102	177	9	11	20
علی آباد کمین	جمع کل	388	246	634	46	27	73
	علوم دامی	26	14	40	7	4	11
	علوم زراعی و باغی	55	28	83	14	9	23
	جمع کل	81	42	123	21	13	34
	ماشین آلات کشاورزی	109	31	140	26	8	34
پردیس مرودشت	علوم زراعی و باغی	-	22	22	-	4	4
	جمع کل	109	53	162	26	12	38
	علوم زراعی و باغی	99	-	99	33	-	33
مجموع	677	341	1018	126	52	178	

یافته‌ها

الف. ویژگی فردی و تحصیلی پاسخ‌دهندگان

یافته‌های بدست آمده در جدول 2 نشان دهنده آن است که سن بیش از یک دوم پاسخ‌گویان (113 نفر، 63/5 درصد) در محدوده سنی 21 تا 25 سال با میانگین 24/41 سال بوده است. توزیع فراوانی دانشجویان بر اساس جنسیت نشان دهنده آن است که بیش تر افراد مورد مطالعه (58/9 درصد) در این پژوهش را پسران و بقیه (41/1 درصد) را دختران به‌خود اختصاص داده‌اند. هم

چنین، مقطع تحصیلی بیش از یک دوم (63/8 درصد) کاردانی و بقیه (36/2 درصد) در مقطع کارشناسی مشغول به تحصیل بوده‌اند. یافته‌های پژوهش از لحاظ تعداد دانشجویان در مراکز مورد مطالعه بیان کننده آن است که بیش تر دانشجویان (41/1 درصد) در مرکز علمی کاربردی شیراز و بقیه در مراکز علمی کاربردی مرودشت (21/3 درصد)، علی آباد کمین (19/1 درصد) و جهرم (18/5 درصد) مشغول به تحصیل بوده‌اند (جدول 2).

جدول ۲- متغیرهای جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان.

متغیر	فراوانی	درصد	میانگین
سن دانشجویان (سال)			
۲۰ سال و کم تر	۱۴	۷/۹%	۲۴/۳۸
۲۱ تا ۲۵ سال	۱۱۳	۶۳/۵%	
۲۱ تا ۲۵ سال	۱۰	۲۱/۹%	
۳۱ سال و بیش تر	۱۲	۶/۷%	
جنسیت دانشجویان			
پسر	۱۰۳	۵۸/۹%	۲۴/۳۸
دختر	۷۲	۴۱/۱%	
مقطع تحصیلی			
کاردانی	۱۱۱	۶۳/۸%	۲۴/۳۸
کارشناسی	۶۳	۳۶/۲%	
مراکز آموزشی			
شیراز	۷۳	۴۱/۱%	۲۴/۳۸
جهرم	۳۳	۱۸/۵%	
علی آباد کمین	۳۴	۱۹/۱%	
مرودشت	۳۸	۲۱/۳%	

ب. موانع فراروی آموزش‌های کارآفرینی در مراکز علمی کاربردی کشاورزی

مهم‌ترین موانع فراروی آموزش‌های کارآفرینی در مراکز علمی کاربردی کشاورزی نیز از دیدگاه دانشجویان این مراکز چهارگانه با استفاده از طیف لیکرت پنج سطحی مورد بررسی قرار گرفت. برای اولویت‌بندی گویه‌ها، از شاخص ضریب تغییرات^۱ استفاده شد. این شاخص برای اولویت‌بندی متغیرها بسیار مناسب‌تر و قوی‌تر از شاخص‌های دیگر چون میانگین است. بررسی اولویت‌های محاسبه شده بر حسب ضریب تغییرات حکایت از آن دارد که از نظر پاسخگویان، سه گویه: استفاده از روش‌های سنتی آموزش، کافی نبودن تجهیزات و مواد آموزشی مورد نیاز برای تدریس کارآفرینی و حمایت نکردن از دوره‌های آموزش کارآفرینی از منظر مدیریت آموزشی مرکز به ترتیب رتبه‌های نخست تا سوم را به خود اختصاص داده‌اند. از سوی دیگر، گویه‌های نبود ارتباط

^۱ -Coefficient of Variance

نزدیک میان دانشگاه و بنگاه‌های کارآفرین، کافی نبودن واحدهای کارورزی در رشته‌های تحصیلی و حمایت نکردن دولت از دانش‌آموختگان رشته کشاورزی در زمینه کارآفرینی، از جمله گویه‌هایی هستند که بر مبنای ضریب تغییرات بیش تر، رتبه‌های آخر را به خود اختصاص داده‌اند. مقادیر فراوانی، درصد، میانگین رتبه‌ای، انحراف معیار، ضریب تغییرات و اولویت‌بندی موانع بر اساس مقادیر ضریب تغییرات در جدول 3 ارائه شده است.

جدول ۳- اولویت‌بندی موانع فراروی آموزش کارآفرینی در مراکز علمی کاربردی کشاورزی از دیدگاه دانشجویان.

گویه‌ها	توزیع فراوانی سطح گویه‌ها									
	خیلی زیاد				خیلی کم					
	فراوانی درصد	فراوانی درصد	تا حدودی	کم	فراوانی درصد	فراوانی درصد	خیلی کم	خیلی کم		
استفاده از روش‌های سنتی آموزش کارآفرینی	۲۰	۱۱/۲	۴۹	۲۷/۵	۵۲	۲۹/۲	۲۶	۱۴/۶	۲۴	۱۳/۵
کافی نبودن تجهیزات و مواد آموزشی مورد نیاز برای تدریس کارآفرینی	۲۳	۱۲/۹	۴۹	۲۷/۵	۴۴	۲۴/۷	۳۰	۱۶/۹	۲۵	۱۴
حمایت نکردن از دوره‌های آموزش کارآفرینی از منظر مدیریت آموزشی مرکز بی توجهی به یادگیری مهارت‌های عملی	۲۸	۱۵/۷	۵۰	۲۸/۱	۵۳	۲۹/۸	۲۶	۱۴/۶	۱۲	۶/۷
ارزش قابل نشدن مرکز به ایده‌های نو و خلاق	۲۶	۱۴/۶	۵۵	۳۰/۹	۴۶	۲۵/۸	۲۵	۱۴	۱۷	۹/۶
ارزیابی نکردن دوره‌های آموزش کارآفرینی	۱۱	۶/۲	۴۸	۲۷	۶۲	۳۴/۸	۳۰	۱۶/۹	۱۹	۱۰/۷
نداشتن آشنایی و آموزش با قوانین مالی و مدیریتی رایج در کسب و کار	۳۷	۲۰/۸	۴۷	۲۶/۴	۴۷	۲۶/۴	۱۵	۸/۴	۲۱	۱۱/۸
نبودن نشریات علمی ترویجی در زمینه‌های کارآفرینی در بخش کشاورزی	۲۴	۱۳/۵	۵۳	۲۹/۸	۴۷	۲۶/۴	۲۲	۱۲/۴	۲۱	۱۱/۸
نبودن طرح درس مناسب و ناپیوستگی در ارائه مطالب	۲۴	۱۳/۵	۴۴	۲۴/۷	۵۳	۲۹/۸	۲۷	۱۵/۲	۲۰	۱۱/۲
استقبال نکردن از کارآفرینان موفق جهت تدریس برخی مهارت‌های کارآفرینانه	۳۶	۲۰/۲	۴۹	۲۷/۵	۴۲	۲۳/۶	۲۶	۱۴/۶	۲۰	۱۱/۲
تناسب نداشتن روش‌های آموزشی بکار رفته با علایق و	۳۳	۱۸/۵	۵۱	۲۸/۷	۳۸	۲۱/۳	۲۷	۱۵/۲	۲۲	۱۲/۴

قابلیت‌های دانشجویان										
۱۲/۴	۲۲	۱۵/۲	۲۷	۲۶/۴	۴۷	۲۳/۶	۴۲	۱۷/۴	۳۱	ارزش قابل نشدن جامعه برای کارآفرینان
۷/۹	۱۴	۱۲/۴	۲۲	۴۲/۷	۷۶	۲۰/۲	۳۶	۱۱/۲	۲۰	وجود بروکراسی (دیوان سالاری) در ساختار مراکز
۱۴	۲۵	۲۰/۸	۳۷	۳۰/۳	۵۴	۲۴/۷	۴۴	۷/۹	۱۴	نبود تناسب بین محتوای کارآفرینی با نیازهای واقعی بازار کار
۱۲/۴	۲۲	۱۹/۷	۳۵	۲۵/۳	۴۵	۲۳/۶	۴۲	۱۵/۷	۲۸	استفاده نکردن از تجارب آموزشگران متخصص در زمینه کارآفرینی
۱۵/۷	۲۸	۱۷/۴	۳۱	۳۰/۳	۵۴	۲۰/۸	۳۷	۱۲/۹	۲۳	کافی نبودن تعداد واحدهای درسی کارآفرینی
۱۶/۹	۳۰	۱۱/۲	۲۰	۲۱/۳	۳۸	۲۸/۱	۵۰	۱۶/۹	۳۰	کمبود راهنمایی و مشاوره به دانشجویان در محیط مرکز
۱۶/۹	۳۰	۱۰/۱	۱۸	۱۵/۷	۲۸	۳۰/۹	۵۵	۱۹/۱	۳۴	نبود ارتباط نزدیک میان دانشگاه و بنگاههای کارآفرین
۱۶/۳	۲۹	۱۵/۷	۲۸	۲۳	۴۱	۲۳/۶	۴۲	۱۹/۱	۳۴	کافی نبودن واحدهای کارورزی در رشته‌های تحصیلی
۱۵/۷	۲۸	۱۴	۲۵	۲۰/۸	۳۷	۲۰/۲	۳۶	۲۱/۹	۳۹	حمایت نکردن دولت از دانش‌آموختگان رشته کشاورزی در زمینه کارآفرینی

ادامه جدول ۳- اولویت‌بندی موانع فراروی آموزش کارآفرینی در مراکز علمی کاربردی کشاورزی

از دیدگاه دانشجویان.

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین رتبه ای	گویه‌ها
۱	-/۳	۱/۲۱	۳/۰۹	استفاده از روش‌های سنتی آموزش کارآفرینی
۲	-/۳	۱/۲۶	۳/۰۹	کافی نبودن تجهیزات و مواد آموزشی مورد نیاز برای تدریس کارآفرینی
۳	-/۳	۱/۱۴	۳/۳۶	حمایت نکردن از دوره‌های آموزش کارآفرینی از منظر مدیریت آموزشی مرکز
۴	-/۳	۱/۱۳	۳/۲۴	بی توجهی به یادگیری

				مهارت‌های عملی
۵	۰/۴	۱/۱۹	۳/۲۸	ارزش قابل نشدن مرکز به ایده‌های نو و خلاق
۶	۰/۴	۱/۱۰	۳/۰۰	ارزیابی نکردن دوره‌های آموزش کارآفرینی
۷	۰/۴	۱/۲۷	۳/۳۸	نداشتن آشنایی و آموزش با قوانین مالی و مدیریتی رایج در کسب و کار
۸	۰/۴	۱/۲۲	۳/۲۲	نبود نشریات علمی ترویجی در زمینه‌های کارآفرینی در بخش کشاورزی
۹	۰/۴	۱/۲۱	۳/۱۵	نبود طرح درس مناسب و ناپیوستگی در ارائه مطالب
۱۰	۰/۴	۱/۲۸	۳/۳۲	استقبال نکردن از کارآفرینان موفق جهت تدریس برخی مهارت‌های کارآفرینانه
۱۱	۰/۴	۱/۳۰	۳/۲۷	عدم تناسب روش‌های آموزشی مورد استفاده با علایق و قابلیت‌های دانشجویان
۱۲	۰/۴	۱/۲۸	۳/۲۰	ارزش قابل نشدن جامعه برای کارآفرینان
۱۳	۰/۴	۱/۳۱	۳/۲۷	وجود بروکراسی (دیوان سالاری) در ساختار مراکز
۱۴	۰/۴	۱/۱۷	۲/۹۱	نبود تناسب بین محتوای کارآفرینی با نیازهای واقعی بازار کار
۱۵	۰/۴	۱/۲۷	۳/۱۱	استفاده نکردن از تجارب آموزشگران متخصص در زمینه کارآفرینی
۱۶	۰/۴	۱/۲۶	۲/۹۸	کافی نبودن تعداد واحدهای درسی کارآفرینی
۱۷	۰/۴	۱/۳۵	۳/۱۸	کمبود راهنمایی و مشاوره به دانشجویان در محیط مرکز
۱۸	۰/۴	۱/۳۹	۳/۲۷	نبود ارتباط نزدیک میان دانشگاه و بنگاه‌های کارآفرین
۱۹	۰/۴	۱/۳۶	۳/۱۴	کافی نبودن واحدهای کارورزی در رشته‌های تحصیلی
۲۰	۰/۴	۱/۴۰	۳/۲۲	حمایت نکردن دولت از دانش‌آموختگان رشته کشاورزی در زمینه کارآفرینی

ج. تحلیل عاملی موانع فراروی آموزش کارآفرینی در مراکز علمی کاربردی کشاورزی استان فارس

در ادامه، برای دسته‌بندی موانع فراروی آموزش کارآفرینی در مراکز آموزش علمی کاربردی کشاورزی و مقدار واریانس تبیین شده به وسیله هر کدام از متغیرها در چارچوب عامل‌های دسته‌بندی شده، از تحلیل عاملی بهره گرفته شد. تحلیل عاملی از جمله روش‌های چند متغیره است که برای پی‌بردن به متغیرهای زیربنایی یک پدیده یا خلاصه‌کردن تعداد زیادی از متغیرها در تعداد محدودی از عامل‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. به بیان دیگر، تحلیل عاملی سعی در شناسایی متغیرهای اساسی یا عامل‌ها بمنظور تبیین الگوی همبستگی بین متغیرهای مشاهده شده دارد. لذا، بمنظور تشخیص مناسب بودن داده‌های موانع فراروی آموزش‌های کارآفرینی برای انجام تحلیل عاملی از مقدار¹ KMO و آزمون بارتلت² استفاده شد. با توجه به معنی‌دار شدن آزمون بارتلت و مناسب بودن مقدار KMO، می‌توان برداشت کرد که داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب هستند (جدول 4).

جدول ۴- مقدار KMO، ضریب بارتلت و سطح معنی‌داری.

مجموعه مورد تحلیل	مقدار KMO	بارتلت	سطح معنی‌داری
موانع آموزش کارآفرینی در مراکز آموزش علمی کاربردی کشاورزی	0/888	1275/3	0/000

بمنظور بالا بردن تفسیر عامل‌ها از روش چرخش واریماکس و معیار مقدار ویژه³ استفاده شد. بر این اساس، در مجموع تعداد چهار عامل استخراج گردید که این عوامل 61/01 درصد از واریانس کل متغیرها را تبیین کرده‌اند که سهم هر کدام از این عوامل نیز پیش و پس از چرخش مشخص شده است (جدول 5). در رابطه با اختصاص متغیرها در هر عامل، به بار عاملی متغیر در هر ردیف توجه شد. بدین ترتیب متغیری که مقدار بار عاملی آن در هر عامل بزرگ تر از 0/50 بود، به آن عامل اختصاص یافت. بنابراین، از بین 20 مانع مورد مطالعه، به دلیل این که بار عاملی دو گویه کم تر از 0/50 بود، از بین موانع حذف شدند و در آخر 18 مانع در چهار دسته (ضعف خدمات مشاوره‌ای و حمایتی، ناکافی بودن آموزش‌های کاربردی، ضعف شناخت قوانین مالی و مدیریتی و ضعف برنامه‌ریزی آموزشی) جای گرفتند. بمنظور نام‌گذاری عامل‌ها با توجه به ماهیت متغیرهای

1- ضریب KMO، ضریبی است که برای آزمون مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی استفاده می‌شود.

2 - Bartlett Test

3- Eigenvalue Criterion

موجود در هر عامل و نیز مهم‌ترین متغیرهای موجود در هر مؤلفه توجه شد که نتایج آن در جدول 6 آمده است.

در خصوص عامل نخست که 19/50 درصد از واریانس مربوط به تحلیل عاملی را برآورد کرده است، با توجه به متغیرهای موجود به نام عامل "ضعف خدمات مشاوره‌ای و حمایتی" نام‌گذاری گردید. در این عامل شش متغیر با بارهای عاملی مشخص شده در جدول 6 قرار گرفتند. عامل دوم که هفت متغیر را در بر می‌گیرد، 17/89 درصد از واریانس تحلیل عاملی را به خود اختصاص داده است. این عامل با توجه به ماهیت و طبیعت متغیرهایش با نام "ناکافی بودن آموزش‌های کاربردی" نام‌گذاری شد. عامل سوم با تبیین 11/94 درصد از واریانس تحلیل عاملی از یک متغیر تشکیل شده است که با توجه به متغیری که در این عامل طبقه‌بندی شده است، این عامل با عنوان "ضعف شناخت قوانین مالی و مدیریتی" نام‌گذاری شده است. عامل چهارم با تبیین 11/67 درصد از واریانس تحلیل عاملی از چهار متغیر تشکیل شده است که چون این متغیرها بیش تر در رابطه با ضعف و مشکلات برنامه‌ریزی آموزشی در کارآفرینی می‌باشند، با عنوان عامل "ضعف برنامه‌ریزی آموزشی" نام‌گذاری شد (جدول 6).

جدول 5- عوامل استخراج شده همراه با مقادیر ویژه و واریانس تبیین شده قبل و پس از چرخش.

عوامل	پیش از چرخش		پس از چرخش		عوامل
	مقدار ویژه	درصد واریانس تبیین شده	مقدار ویژه	درصد واریانس تبیین شده	
1	7/94	39/72	3/90	19/50	درصد تجمعی واریانس تبیین شده
2	1/86	9/31	3/58	17/89	درصد واریانس تبیین شده
3	1/32	6/63	2/39	11/94	درصد واریانس تبیین شده
4	1/07	5/35	2/33	11/67	درصد واریانس تبیین شده

جدول ۶- عامل‌های استخراج شده مربوط به هریک از مشکلات و موانع پس از چرخش.

مشکلات و موانع	متغیرها	بار عاملی
	کمبود راهنمایی و مشاوره به دانشجویان در زمینه کسب و کار در محیط مرکز	0/825
	ارزش قابل نشدن جامعه برای کارآفرینان	0/768
ضعف خدمات مشاوره‌ای و حمایتی	حمایت نکردن از دوره‌های آموزش کارآفرینی از منظر مدیریت آموزشی مرکز	0/667
	حمایت نکردن دولت از دانش‌آموختگان رشته کشاورزی در زمینه کارآفرینی	0/607
	عدم ارتباط نزدیک میان دانشگاه و بنگاه‌های کارآفرین	0/606
	ارزش قابل نشدن مرکز به ایده‌های نو و خلاق	0/515
	استفاده نکردن از تجارب آموزشگران متخصص در زمینه کارآفرینی	0/746
	کافی نبودن تجهیزات و مواد آموزشی مورد نیاز برای تدریس کارآفرینی	0/694
ناکافی بودن آموزش‌های کاربردی	کافی نبودن واحدهای کارورزی در رشته‌های تحصیلی	0/692
	استفاده از روش‌های سنتی در درس آموزش کارآفرینی	0/685
	استقبال نکردن از کارآفرینان موفق جهت تدریس برخی مهارت‌های کارآفرینانه	0/676
	بی توجهی به یادگیری مهارت‌های عملی دوره‌های کارآفرینی	0/564
	کارآفرینی نبود تناسب بین محتوای دوره‌های کارآفرینی با نیازهای واقعی بازار کار	0/502
ادامه جدول ۶		
ضعف شناخت قوانین مالی و مدیریتی	نا آشنایی با قوانین مالی و مدیریتی رایج در مدیریت کسب و کار	0/711
	کافی نبودن تعداد واحدهای درسی کارآفرینی	0/760
ضعف برنامه‌ریزی آموزشی	ارزیابی نکردن از دوره‌های آموزش کارآفرینی	0/561
	نبود تناسب روش‌های آموزشی مورد استفاده با علایق و قابلیت‌های دانشجویان	0/551
	نبود طرح درس مناسب و عدم پیوستگی در ارائه مطالب	0/536

با توجه به آنچه گفته شد، مدل تجربی موانع فراروی آموزش کارآفرینی به شکل زیر می باشد.



شکل ۱- مدل تجربی موانع فراروی آموزش کارآفرینی در مراکز علمی کاربردی کشاورزی استان فارس.

بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

آموزش کارآفرینی به عنوان کاتالیزوری جهت ترغیب نگرش کارآفرینانه دانشجویان به خود اشتغال‌زایی و کارآفرینی در نظام آموزش علمی کاربردی کشاورزی بکار می‌رود. لذا، توجه به آموزش کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی و شناخت موانع موجود در این مسیر می‌تواند راهگشای مسئولان در اتخاذ استراتژی کارآفرینانه در این مراکز باشد. با در نظر گرفتن اهمیت موضوع، این پژوهش با هدف شناسایی و تحلیل موانع فراروی آموزش کارآفرینی در مراکز آموزش علمی کاربردی کشاورزی استان فارس انجام پذیرفت. نتایج تحلیل عاملی موانع فراروی آموزش کارآفرینی در مراکز آموزش عالی علمی کاربردی کشاورزی استان فارس نشان دادند که چهار عامل ضعف خدمات مشاوره‌ای و حمایتی، ناکافی بودن آموزش‌های کاربردی، ضعف شناخت قوانین مالی و مدیریتی و ضعف برنامه‌ریزی آموزشی در مجموع توانسته‌اند 61/01 درصد از کل واریانس مانع‌های فراروی آموزش کارآفرینی را تبیین کنند.

بر اساس مشکلات و موانع بدست آمده در این مطالعه، ضعف خدمات مشاوره‌ای و حمایتی با درصد تبیین 19/50 درصد، در رأس قرار گرفت. در خصوص ضعف خدمات حمایتی و مشاوره‌ای در مراکز، مشاهده و مصاحبه پژوهشگر با چندی از دانشجویان در این مراکز، بیان‌کننده آن بود که مؤلفه‌هایی همچون ارزش قایل نشدن مرکز به ایده‌های نو و خلاق و عدم حمایت کارآفرینی از منظر کادر ارشد مدیریت دانشگاه، به عنوان عوامل بازدارنده در این مراکز شناسایی شدند. این یافته

با نتایج مطالعات رضوی و همکاران (Razavi et al., 2012)، یعقوبی و همکاران (Yaghoubi et al., 2011)، حسینی و همکاران (Hosseini et al., 2010) و گیب (Gibb, 2002) همخوانی دارد. لذا، با توجه به نتایج این بخش از بررسی، پیشنهاد می‌شود با ایجاد کانون‌های کارآفرینی (Rahmanian, 2011) در این مراکز، خدمات حمایتی و مشاوره‌ای از سوی مدیریت مراکز فراهم گردد. همچنین، از سوی دیگر، کانون‌های کارآفرینی با برقراری ارتباط با افراد موفق و کارآفرین و همچنین، فراهم آوردن زمینه‌های برقراری تعاملات اجتماعی دانشجویان با یکدیگر در چارچوب کارهای تیمی و گروهی، زمینه اعتماد و نگرش مثبت در دانشجویان در مورد فعالیت‌های کارآفرینی را در مراکز فراهم آورند.

یکی دیگر از موانع فراروی آموزش کارآفرینی در مراکز آموزش علمی کاربردی از دیدگاه پاسخگویان، ناکافی بودن آموزش‌های کاربردی با واریانس تبیین شده 17/89 درصد بود. در این زمینه، یکی از مهم‌ترین مشکلات نظام آموزش علمی کاربردی، عدم تناسب بین محتوای درس کارآفرینی با نیازهای واقعی بازارکار کشاورزی است. بی‌گمان با در نظر گرفتن ماهیت فعالیت‌های کشاورزی و اشتغال در این بخش از نظر ارتباط نزدیک با محیط و فعالیت کاربردی، ارایه دروس نظری بدون فراهم کردن شرط‌های ضروری برای کاربردی کردن آن‌ها، اثربخشی مناسبی را نخواهد داشت. به گونه‌ای که رضوی و همکاران (Razavi et al., 2012)، امیری و مرادی (Amiri & Moradi, 2008) و حیدری‌زاده (Hidarizadeh, 2004) در مطالعات خود، ارایه شدن دروس به صورت نظری و هماهنگی بین نیاز بازارکار و مراکز آموزشی را از جمله مشکلات توسعه کارآفرینی در مراکز آموزش عالی می‌دانند. این یافته با نتایج مطالعات رضایی (Rezaei, 2011)، یعقوبی (Yaghoubi, 2010)، ابن‌علی و رجبی نسب (Ebne Ali & Rajabinasab, 2007) و میرزامحمدی و همکاران (Mirza Mohammadi et al., 2007) مطابقت دارد. لذا، به سیاست‌گذاران آموزشی در این مراکز توصیه می‌گردد نسبت به اصلاح سیاست‌های تدوین دروس دانشگاهی در این مراکز اقدام گردد تا با ارایه بیش تر دروس عملی و منطبق با شرایط واقعی بیرون از دانشگاه، گامی اساسی در جهت آشنایی دانشجویان با چگونگی کاربرد آموخته‌های نظری در میدان عمل و تجربه اولیه لازم برای آشنایی و شروع کسب و کار کارآفرینانه در عرصه کشاورزی برداشته شود. به بیان دیگر، طبیعت دروس کشاورزی به گونه‌ای است که کاملاً می‌بایست در صحنه عمل و در بطن جامعه کشاورزی آموزش داده شوند تا دانشجویان درکی عمیق و دقیق از مفاهیم داشته باشند و در مواقع لزوم بتوانند به گونه عملی حل مسئله کنند.

بر اساس بخشی دیگر از نتایج پژوهش، ضعف شناخت قوانین مالی و مدیریتی در زمینه کسب و کار، یکی دیگر از موانع و مشکلات فراروی آموزش‌های کارآفرینی در مراکز آموزش علمی کاربردی کشاورزی استان فارس می‌باشد. در این زمینه، دانشجویان با توجه به ناآشنایی با قوانین مالی و

مدیریتی رایج در مدیریت کسب و کار، در آینده دچار مشکل می‌شوند. اهمیت این عامل به گونه‌ای است که رضایی و همکاران (Rezaei et al., 2012) در مطالعه خود با عنوان بررسی نیازهای آموزشی دانشجویان کشاورزی در زمینه کارآفرینی، از آن به عنوان یکی از پیش‌نیازهای اصلی برای راه‌اندازی، توسعه و مدیریت کسب و کار در فرایند کارآفرینی اشاره کرده‌اند. نتایج مطالعات خسروی‌پور و منجم‌زاده (Khosravipour & Monajemzadeh, 2011)، رضایی (Rezaei, 2011) و ویلسون (Wilson, 2008) این نتیجه پژوهش را مورد تأیید قرار می‌دهند. لذا، به مسئولان مراکز آموزش علمی کاربردی کشاورزی توصیه می‌شود تا در تدوین سرفصل‌های دروس کارآفرینی، یک بخش از آن را به آشنایی دانشجویان جهت شناخت هر چه بیش تر قوانین مالی و مدیریتی در فرایند راه‌اندازی کسب و کار و ترغیب آنان به کارآفرینی، در جهت کمرنگ نمودن و رفع این موانع اختصاص دهند.

از دیگر عامل‌هایی که مانع آموزش کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی شده و در مطالعات متعددی به کرات به آن اشاره شده است، ضعف برنامه‌ریزی آموزشی است. نتیجه این بررسی که نشانگر عدم ارزیابی از دوره‌های آموزش کارآفرینی و عدم تناسب روش‌های آموزشی و فقدان طرح درس مناسب مرتبط با کارآفرینی بود، بیانگر آن است که نظام آموزش عالی علمی کاربردی کشاورزی به تغییرات اساسی در فرایند آموزش کارآفرینی نیاز دارد. این نتایج با مطالعات رضوی و همکاران (Razavi et al., 2012)، یعقوبی و همکاران (Yaghoubi et al., 2011)، رضایی (Rezaei, 2011)، حاجی میررحیمی و مخبر (Haji Mir Rahimi & Mokhber, 2010) و یعقوبی (Yaghoubi, 2010) مطابقت دارد. لذا، به مسئولان و مدیران مراکز آموزشی توصیه می‌شود که جهت اصلاح نقاط ضعف برنامه‌های آموزش کارآفرینی، ارزشیابی در حین و پس از آموزش این دوره‌ها را در دستور کار مراکز قرار دهند.

بر این اساس، می‌توان اظهار داشت که بمنظور رفع موانع موجود در مراکز علمی کاربردی در راستای نیل به رویکرد کارآفرینی، مطالعه و بررسی در زمینه متغیرهای مربوط به عوامل حمایتی مشاوره‌ای و آموزشی راه‌گشا تر و حتی ضروری‌تر از دیگر عوامل خواهد بود. بدین ترتیب، شناسایی راه‌کارهای تقویت کارآفرینی در بین دانشجویان مراکز علمی کاربردی کشاورزی نیز تسهیل خواهد شد، ولی بی‌توجهی به موانع و مشکلات مرتبط با آن‌ها روا نبوده و انجام مطالعات بیش تر برای اطمینان از تأثیر یا عدم تأثیر آن‌ها در اتخاذ رویکرد کارآفرینی امری بایسته است.

References

- Amiri, A. & Moradi, Y. (2008). The Survey of Entrepreneurial Attitudes Barriers of Students. Quarterly Journal of Research Planning in Higher Education, 14 (3), PP. 45-67. (in Persian).

- Annie, M. N. W., & Hamali, J. (2006). "Higher education and employment in Malaysia". *International Journal of Business and Society*; 7 (1), PP. 102-21.
- Azizi, B., Hosseini, F. J., Hosseini, M. & Mirdamadi, M. (2010). "Factors influencing the development of entrepreneurial education in Iran's applied-scientific educational centers for agriculture". *American Journal of Agricultural and Biological Sciences*, 5 (1), PP. 77-83. (in Persian).
- Blenker, P., Dreisler, P. & Kjeldsen, J. (2008). A framework for developing entrepreneurship education in a university context. *International Journal of Entrepreneurship and Small Business*, 5 (1), PP. 45- 63.
- Ebne Ali, L. & Rajabinasab, A. A. (2007). Barriers to Entrepreneurship Development. National Conference on Higher Education and Entrepreneurship: Past, Present, Future. Semnan, Semnan University, PP. 1-9. (in Persian).
- Elder, R. & Druy, R.W. (2001). The Entrepreneurial Community College: Bringing Workforce, Economic and Community Development to Virginia Community Colleges. *Education Recourses Information Center*, 6 (1), PP. 26-33.
- Fu-Lai Yu, T. (2001). "Towards a theory of the entrepreneurial state". *International Journal of Social Economics*, 28 (9), PP. 752-766.
- Gibb, A. (2002). Creating conducive environment for learning and entrepreneurship. *Industry and Higher Education*, 16 (3), PP. 135- 148.
- Haji Mir Rahimi, D. & Mokhber, A. (2010). Obstacles to the Development of Entrepreneurship Education in Higher Education Scientific-Applied Agriculture. *International Conference on Management, Innovation and National Production*, Shiraz, PP.1-16. (in Persian).
- Hidarizadeh, M. (2004). Employment Status of Members of the Council of Agriculture and Natural Resources along with the Province Kerman. *Agricultural and Natural Resources Engineering Regulation Seasonal Issue*, 2 (1), PP. 37-45. (in Persian).
- Hosseini, M., Farajolah Hosseini, J. & Soleimanpour, M.R. (2010). An Identification and Analysis of Hindering Barriers of Entrepreneurship in Higher Agricultural Education as Perceived by Graduate Students. *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research*, 41 (3), PP. 359-68. (in Persian).
- Hwang, H. (2001). "A modern simulation course for business students". *Interfaces*, 31 (3), PP. 66-75.
- Karimi, S., Chizari, M., Biemans, J. A., & Mulder, M. (2010). "Entrepreneurship Education in Iranian Higher Education: The Current State and Challenges". *European Journal of Scientific Research*, 48 (1), PP. 35-50.
- Khosravipoor, B. & Monajemzadeh, Z. (2011). Ramin Agricultural and Natural Resources University Graduate Student's Viewpoints about Challenges and Obstacles of Higher Education in Training Entrepreneurship Oriented

- Graduates. Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research, 42 (1), PP. 105-16. (in Persian).
- Khosrsvipour, B., Iravani, H., Hosseini, M. & Movahed Mohammadi, H. (2008). Analysis of the Factor Influencing the Entrepreneurship Development in the Agricultural Scientific-Applied Higher Education Centers. Entrepreneurship Education Development Conference in the Agricultural Education Applied Science, Mashhad, PP. 100-112. (in Persian).
 - Li, J., Zhang, Y., & Matlay, H. (2003). "Entrepreneurship Education in China", Education and Training, 45 (8/9), PP. 495-505.
 - Luthans, F., Stajkovic, A. D. & Ibayeva, E. (2000). Environmental and psychological challenges facing entrepreneurial development in transitional economies. Journal of World Business, 35 (1), PP. 95-110.
 - Man, T. W. Y. & Yu, C. W. M. (2007). "Social interaction and adolescent's learning in enterprise education: An empirical study". Education + Training, 49 (8/9), PP. 620-633.
 - Mohammadi, M. Pour Tahmasebi, M. H., S. & Tajvar, A. (2007). Barriers and Strategies in the Entrepreneurship Higher Education in Iran. National Conference on Higher Education and Entrepreneurship: Past, Present, Future. Semnan, Semnan University, PP. 1-12. (in Persian).
 - Onstenk, J. (2003). "Entrepreneurship and Vocational Education". European Educational Research Journal, 2 (1), PP. 74-89.
 - Peterman, N. E. & Kennedy, J. (2003). "Enterprise Education: influencing students' perceptions of entrepreneurship". Entrepreneurship: Theory & Practice, 28 (2), PP.129-145.
 - Rahmanian Koushkaki, M., Chaizari, M. & Havasi, A. (2011). Factors Influencing Entrepreneurial Intentions of Agricultural Students in Azad University of Ilam. Journal of Entrepreneurship Development, 4 (15), PP. 125-144. (in Persian).
 - Rahmati, M. H., Moghimi, M. & Alvani, M. (2008). Analyzing the Policy-Making System for Informal Entrepreneurship. Journal of Entrepreneurship Development, 3 (9), PP. 7-35. (in Persian).
 - Razavi, M., Fallah Haghighi, N., Rezvanfar, A. & Kalantari, KH. (2012). Analyzing Entrepreneurship Obstacles in Agricultural Faculties of Iran (Students Viewpoints). Iranian Public Administration, 4 (10), PP. 59-78. (in Persian).
 - Rezaei, R., Karimi, A., Mirkaram, F. & Safa, L. (2012). A Study of Entrepreneurial Education Needs of Agricultural Master Students University of Zanjan. Journal of Entrepreneurship Development, 5 (3), PP.65-84. (In Persian).
 - Rezaei, R. (2011). Barriers of Entrepreneurship Development in Agricultural Higher Education System from the Viewpoint of Agricultural Graduate

Students at University of Zanjan, Iran. Journal of Agricultural Education Administration Research, 18 (1), PP. 92-104. (in Persian).

- Shane, S., & Venkataraman, S. (2000). "The promise of entrepreneurship as a field of research". Academy of Management Review, 26 (1), PP. 217-226.

- Solomon, G. (2007). "An examination of entrepreneurship education in the United States", Journal of Small Business and Enterprise Development, 14 (2), PP. 168-182.

- Wilson, K. (2008). Entrepreneurship education in Europe. GV Partners, Eving Marion Kauffman Foundation, European Foundation for Entrepreneurship Research (EFER), Entrepreneurship and Higher Education, Chapter 5, OECD, 2008.

-Yaghoubi, J. (2010). Investigating factor of agricultural entrepreneurship in higher education and provide mechanisms to strengthen. Journal of Entrepreneurship Development, 2 (8), PP. 121-139. (in Persian).

- Yaghoubi, J., Monfared, N. & Yazdanpanah, M. (2011). Investigating Barriers to Enhance Entrepreneurship in Zanjan Agricultural Higher Education from the Perspective of the Graduate Students. Journal of Agricultural Education Administration Research, 16 (1), PP. 13-21. (in Persian).

- Zampetakis, L.A., Kafetsios, K., Bouranta, N., Dewett, T., & Moustakis, V.S. (2009). "On the relationship between emotional intelligence and entrepreneurial attitudes and intentions", International Journal of Entrepreneurial Behavior and Research, 15(6), PP. 595-618.

